

## جواب سروش دباغ به پرسش‌ها پیرامون ویدئوی منتشر شده از محسن کدیور در صفحه اینستاگرامی «جرعه» و پاسخ عبدالکریم سروش

منبع: کانال تلگرامی: <https://t.me/Vortrags/82794>، روز چهارشنبه، مورخ: ۱۴۰۱/۵/۱۲

سطور پیش رو را در پاسخ به پرسشهای دوستان و مخاطبان متعدد ساکن داخل و خارج کشور که در روزهای اخیر دریافت کردم، می‌نویسم. مطالب منتشر شده طی چند روز اخیر ناظر به ویدئوی منتشر شده از آقای محسن کدیور در صفحه اینستاگرامی «جرعه» و پاسخ آقای عبدالکریم سروش را رصد کردم و خواندم. صبر کردم چند روز فاصله افتد، سپس داوری و موضع شخصی خود را بازگو کنم و با دوستان در میان نهم. آنچه در ذیل می‌نویسم، به عنوان عضوی از خانواده نواندیشی دینی، فارغ از رابطه نسبی با عبدالکریم سروش است.

فایل سخنرانی آقای کدیور در این باب (بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰) را بطور کامل شنیدم. ایشان در جایی از سخنرانی به صراحت می‌گوید تجدید نظرطلبان (عبدالکریم سروش، مجتهد شبستری و صدیقه و سمسقی)، در کار آوردن «دین متفاوت» هستند. «دین متفاوت» عین تعبیر ایشان است. وقتی کسی به زعم کدیور، «دین متفاوت» می‌آورد، منطقی، در رتبه سابق از دین پیشین خود خارج شده است. تعبیر دیگر خارج شدن از دین سابق، تکفیر کردن و مرتد انگاشتن افراد یاد شده است.

محسن کدیور چند سال قبل در نقد ارتداد، مقاله و کتاب منتشر کرده است. آن آثار و فعالیت‌ها در جای خود نیکو و رهگشاست. در عین حال، منطقی آثار نگران‌کننده‌ای بر سخنان اخیر ایشان مترتب می‌شود. مگر نمی‌شود و متصور نیست کسی سخن درستی بگوید، بنویسد و در مقام عمل به نحو دیگری رفتار کند؟؟ البته که شدنی است. چه بهتر که هر یک از ما سازوار عمل کنیم و به قدر وسع، ناسازگاری در نظر و عمل ما دیده نشود؛ اما داوری موجه و منصفانه بر اساس مجموعه سخنان و کنش‌های ما صورت می‌گیرد.

چنانکه درمی‌یابم، آنچه اینجا رخ داده، تناقض و ناسازگاری درونی در مکتوبات و سخنان ایشان است. مفروض منطقی سخن کدیور که بدان تفوه نکرده و آنرا نگفته؛ یعنی نسبت «دین متفاوت» آوردن به فلانی و بهمانی، نه «قرائت متفاوتی از دین»، عبارتست از خروج از دین سابق.

چندماه پیش، در نقد سخنان کدیور، مقاله «کوررنگی دینی یا کوررنگی اخلاقی؟» را در سایت «دین آنلاین» منتشر کردم. در آنجا ضعف و ناموجه بودن استدلال‌های ایشان در دفاع از «هسته سخت اسلام» را به تفصیل تبیین کرده‌ام.

اما بحث کنونی از لون دیگری است. به نزد من، همه ما در برابر سخنانی که تلویحاً و یا تصریحاً، از آن بوی تکفیر و طرد استشمام شود، باید موضع بگیریم و آنرا محکوم کنیم و اجازه ندهیم چنین سنت ناروایی در نحله نواندیشی دینی پا بگیرد. من از انگیزه شخصی آقای کدیور خبر ندارم، اهمیتی هم در بحث کنونی ندارد. آنچه، مهم است و محل اتکا و استناد، سخنان منتشر شده ایشان است، که می توان به نحو بین الاذهانی درباره آن بحث و گفتگو کرد. از مجموع سخنان ایشان، ایفا کردن نقش «سوزن بانی» و «خط نگهداری» در عرصه دیانت و فقاقت و نمره دادن به میزان اسلام فلانی و بهمانی به ذهن متبادر می شود.

باز هم تاکید می کنم، نسبت دادن آوردن «دین متفاوت» به این و آن، مفروض منطقی ناگفته تکفیری دارد؛ چرا که تا کسی دین سابق (در اینجا اسلام) را ترک نکرده باشد، منطقی نمی تواند دین متفاوت و تازه ای بیاورد.

اگر مفروض منطقی ناگفته سخنان آقای کدیور، خروج از دین سابق و به زبان دیگر ارتداد هست، که به نظرم من هست؛ به این مسئله مهم باید پرداخت و آنرا صراحتاً نقد کرد. گفتن «دین متفاوت»، نه «قرائت متفاوتی از دین»، لوازم خطرناکی دارد. نباید در این باب دیده خطا پوشی داشت و به سهولت از آن گذشت..

افزون بر این، آقای کدیور در سخنان اخیر خود، سودای «اسلام واقعی» را در سر می پروراند و از آن سراغ می گیرد؛ نگرشی که متأسفانه حجم مهمی از ادبیات نواندیشی دینی متاخر طی سه دهه اخیر را نادیده می گیرد و به محاق می برد؛ گویی که درباب «قرائت پذیر بودن دین» به تفصیل سخن رانده نشده، این مبحث چکش نخورده، ادبیات انبوهی حول آن شکل نگرفته و کثیری از مخالفان پیشین، آنرا نپذیرفته اند.

از اینکه درگذریم، سخنان تجدید نظر طلبان را با آراء دین ستیزان مشابه انگاشتن از منظر کدیور، هم نادقیق و ناموجه است، هم غیر اخلاقی؛ که تیغ به کف زنگیان مست می دهد و باب را برای برخوردهای تند غیر معرفتی مخالفان با نواندیشان دینی به تعبیر ایشان تجدید نظر طلب باز می کند.